

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)
سال پنجم، شماره (۲۰)، زمستان ۱۳۹۵

تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ایران و عربستان سعودی در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها)

محمدعلی شهرباری*

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

اسماعیل شفیعی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد شهرضا

نفیسه واعظ

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

چکیده

اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی سوریه، این کشور را مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داده است. موقعیت استراتژیک سوریه از لحاظ پرستیژ در جبهه مقاومت، مسائل امنیت ملی، رقابت در قدرت منطقه‌ای و توسعه نفوذ در غرب آسیا مورد توجه این ج.ا.ایران و عربستان سعودی بوده است؛ به گونه‌ای که بحران سوریه در پی بیداری اسلامی به میدان رقابت این دو کشور تبدیل شده است. با توجه به اینکه روابط دو کشور ج.ا.ایران و عربستان در مسائل منطقه‌ای اثرگذار است و نوع رابطه این دو کشور در حل یا تداوم بحران‌های خاورمیانه (غرب آسیا) تأثیر خواهد داشت، ضرورت دارد به آن پرداخته شود. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی و در روش عقلی و تجربی روابط ایران و عربستان را در حوزه غرب آسیا در قالب نظریه‌بازی‌ها مورد بررسی قرار داده است. سؤال این است که سوریه چه اهمیت ویژه‌ای برای قدرت‌های منطقه‌ای دارد و نتیجه سیاست‌های آن‌ها برای دوران احتمالی بعد از بشار اسد چیست؟ فرض بر این است که ج.ا.ایران به دنبال خروج از محذوریت‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی و نیز استفاده از فرصت‌های استراتژیکی سوریه در جهت گسترش نفوذ در غرب آسیا است و عربستان نیز در پی جبران کاستی‌های سیاست خارجی خویش در حوزه‌های دیگر غرب آسیا؛ از جمله عراق، ضد حرکت‌هایی را در قبال نفوذ رو به گسترش ج.ا.ایران ترتیب داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بازی رقابتی دو کشور یاد شده را در بحران سوریه می‌توان در قالب قاعده حاصل جمع جبری صفر مورد تبیین و تحلیل قرار داد.

واژگان کلیدی: ایران، خاورمیانه، سوریه، سیاست خارجی، نظریه‌بازی‌ها

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۲۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷
ایمیل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: mash_1097@yahoo.com

مقدمه

باتوجه به سابقه روابط استراتژیک ج.ا. ایران و سوریه، تحولات اخیر در سوریه؛ اگرچه با نقش آفرینی جبهه معارضان به صورت میدانی دنبال می‌شود، اما به نظر می‌رسد با حمایت برخی کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی در پی سیاست‌های مهار ج.ا. ایران در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرد و هدفی فراتر از مسائل ملی سوریه دارد. هدف اصلی این بحران‌سازی، برخورد با جبهه مقاومت اسلامی و به‌صورت خاص، مهار ج.ا. ایران و کنترل بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی عمومی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد با ج.ا. ایران در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، اهمیت مضاعف پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که ج.ا. ایران را در یک بازی با حاصل جمع جبری صفر در مقابل رقبای سنتی خود قرار داده است.

سوریه، بخش با اهمیتی از منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا است. اعتقاد بر این است که اگر نظام سوریه تغییر کند؛ ج.ا. ایران، یک متحد راهبردی را در شرق مدیترانه از دست خواهد داد و عمق راهبردی آن مورد تهدید قرار می‌گیرد. شکستن ارتباط رو به گسترش سه کشور ایران، عراق و سوریه، جنبه عمده جنگ قدرت در سوریه است تا بدین طریق، آمریکا به اهداف ژئوپلیتیک خویش دست یابد و عربستان سعودی نیز به هدفش که کاهش نفوذ شیعیان و ایران در منطقه است، برسد.

بسیاری از تحلیل‌گران اعتقاد دارند؛ روابط میان عربستان و ج.ا. ایران از سال ۲۰۱۱ م به این سو، ابعاد جدیدی چون؛ تضادهای مذهبی و ایدئولوژیکی، رقابت بر سر منافع سیاسی و ژئواستراتژیک و یک رقابت دائمی برای دستیابی به فرادستی منطقه‌ای به خود گرفته است. (Paul & Van Duijne, 2009: 3) لذا این دو کشور، دو رقیب استراتژیک در خاورمیانه محسوب می‌شوند.

بحران سوریه یکی از میدان‌های رویارویی سیاست خارجی ج.ا. ایران و عربستان سعودی است که به دنبال عدم موفقیت عربستان در تحولات سیاسی عراق به منصفه ظهور رسیده است. در واقع بازیگران بحران سوریه؛ شامل دولت‌های روسیه، آمریکا، ترکیه، عربستان سعودی، ج.ا. ایران و گروه‌های غیردولتی؛ از جمله داعش، حزب الله لبنان و شورشیان مخالف بشار اسد است. در این میان، هرکدام از بازیگران براساس منافع و اهداف خویش سعی دارند، جنگ داخلی سوریه را هدایت و کنترل نمایند. روسیه به دنبال کسب اعتبار بین‌المللی، جهانی و بازیابی نقش سابق خود در جهان و منطقه در رقابت با آمریکا است. عربستان نیز در تقابل با سیاست‌های ج.ا. ایران و جلوگیری از نقش آفرینی ایران در جبهه مقاومت است. در این میان ترکیه نیز میدان عراق و ترکیه را فرصت دانسته تا از دست ناسیونالیسم کرد نجات یابد.

پشتیبانی و حمایت‌های گسترده عربستان از نیروهای ضد انقلاب در دو کشور بحرین، مصر و همچنین سرکوب شیعیان در منطقه شرقیه خویش و همچنین تلاش‌ها و فعالیت‌های عربستان در سوریه به حمایت از مخالفان بشار اسد، این سؤال را مطرح می‌کند که در واقع عربستان در سوریه در پی چیست؟ کشوری که در منطقه به حمایت از حکومت‌های سلطنتی

و محافظه‌کار پرداخته و در کشور خویش نیز هرنوع حق‌خواهی و آزادی‌خواهی را سرکوب می‌کند؛ چگونه می‌تواند سیاست‌های اعمالی خود را در سوریه، حمایت از حق این مردم بداند و بشار اسد را قاتل ملت سوریه بنامد؟ از سوی دیگر؛ ج.ا. ایران، از دولت سوریه حمایت کرده و انقلابیون سوریه را تحریک شده از سوی عربستان سعودی، غرب و ترکیه معرفی می‌کند. ضمن اینکه روابط استراتژیک طولانی‌مدت ج.ا. ایران و سوریه نیز نشان می‌دهد که این کشور در سیاست خارجی ج.ا. ایران بسیار پراهمیت است. موقعیت استراتژیک سوریه از لحاظ پرستیژ در جبهه مقاومت، مسائل امنیت ملی، رقابت با عربستان سعودی و توسعه نفوذ در غرب آسیا برای ایران بسیار اهمیت دارد. لذا درک صحیح اهداف ج.ا. ایران و عربستان سعودی در سوریه، نیاز به درک اهداف ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک این دو کشور در غرب آسیا دارد. با وجود اینکه رژیم سوریه با ساختار سیاسی ج.ا. ایران هماهنگی ندارد و رژیم سوریه را نمی‌توان در ایدئولوژی سیاسی ج.ا. ایران همسان دانست، و از سوی دیگر از آنجا که نمی‌توان عربستان را حامی انقلاب در سوریه فرض نمود، پس اهداف واقعی این دو کشور در سوریه چیست؟ ضمن اینکه بسیاری از تحلیل‌گران بر این اعتقادند؛ بحران‌های غرب آسیا با روابط دو کشور ج.ا. ایران و عربستان ارتباط دارند. پرداختن به این موضوع از بابت درک این ارتباط و تأثیر آن در ادامه بحران سوریه یا یافتن راه حلی برای پایان دادن به آن بسیار مهم به نظر می‌رسد.

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌بازی‌ها، به شیوه توصیفی - تحلیلی در بازه زمانی ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۶ م، به بررسی موضوع در کشور سوریه پرداخته است و سیاست خارجی ج.ا. ایران را در سوریه مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین این سؤال را مطرح می‌کند که سوریه چه اهمیت ویژه‌ای برای ج.ا. ایران دارد؟ از سوی دیگر؛ از آنجا که سوریه در سیاست خاورمیانه‌ای ایران از جایگاه والایی برخوردار است، ج.ا. ایران برای دوران احتمالی پس از بشار اسد، چه راهکارهایی را می‌بایست در نظر داشته باشد. فرض بر این است که ج.ا. ایران به دنبال خروج از محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و استفاده از فرصت‌های استراتژیکی سوریه در جهت توسعه نفوذ در غرب آسیا و استمرار عمق استراتژیک خود می‌باشد و به هر صورت، نمی‌خواهد این موقعیت را از دست بدهد. لذا به دنبال حداقل کردن زیان در موقعیت استراتژیکی خویش در سوریه است.

بنیان نظری و پیشینه پژوهش

در موضوع مورد مطالعه، سیاست خارجی و روابط ج.ا. ایران و عربستان سعودی چند نوشتار به‌عنوان پیشینه پژوهش قابل ارزیابی است؛ از جمله سجاد بهرامی مقدم (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «رقابت قدرت میان ج.ا. ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه ۲۰۰۸ م-۲۰۰۳» با راهنمایی و مشاوره دکتر حسین دهشیار و دکتر اصغر جعفری ولدانی در دانشگاه علامه طباطبایی با روش توصیفی به تشریح چگونگی رشد جایگاه منطقه‌ای ایران پرداخته است و همچنین با این فرضیه که رفتار خارجی عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه در پی

تحدید قدرت و توازن تهدید ج.ا. ایران صورت می‌گیرد، به تشریح رشد فزاینده قدرت ایران و تاثیر آن بر سیاست خارجی عربستان پرداخته و اقدامات این دولت را در برابر رشد فزاینده ایران با شاخصه‌هایی؛ از جمله حمایت از سنی‌ها در عراق، حمایت از ۱۴ مارس در لبنان، پیشبرد برنامه اتمی، اعمال سیاست خرید تسلیحات، طرح اتحاد با اسرائیل و تلاش در جهت تجدید سازمان دنیای عرب در برابر تهران و اتحادهای دو جانبه با آمریکا تشریح می‌کند. این نوشتار مقدمه‌ای برای شروع مطالعات سیاست خارجی ج.ا. ایران و عربستان در نقاط دیگر خاورمیانه؛ مثل سوریه، یمن و بحرین است که در قالب تئوری بازیها و تئوری حرکتها قابلیت تحلیل و تبیین دارد.

علیرضا کوهکن و سعید تجری (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان؛ «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)» که در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست به چاپ رسیده است، به بررسی سیاست خارجی و نقش عربستان در بحران سوریه پرداخته و بخشی از آن را مهار و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه می‌داند. در بخش نتیجه‌گیری نیز هدف عربستان را از ورود به بحران سوریه، ارتقای جایگاه منطقه‌ای معرفی می‌کند و معتقد است؛ اقدامات عربستان در سوریه به زیان آن تمام خواهد شد.

هانا کصاب (Hanna Kassab) (۲۰۱۶)، عضو هیأت علمی علوم سیاسی دانشگاه میشیگان شمالی، در مقاله‌ای تحت عنوان؛ «سوریه به‌عنوان یک میدان نبرد جهانی، علاقه بیشتر بازیگران مشکلات بیشتر برای سوریه»، (Syria as a Global Battleground: More Actors, More Interests, More Problems) با این سؤال که بازیگران جنگ سوریه چه کشورهایی هستند و منافع آن‌ها در ادامه بحران سوریه چه اندازه موثر است؛ به کشورهای روسیه، آمریکا، ایران، عربستان و ترکیه و همچنین بازیگران غیردولتی؛ مانند حزب‌الله لبنان، داعش و نیروهای شورشی مخالف بشاراسد اشاره می‌کند و منافع و اهداف آن‌ها را در طولانی شدن و کنترل این جنگ مؤثر می‌داند. وی تقابل ایران و عربستان را در این جنگ در ادامه سیاست‌های تقابل جویانه آن‌ها در لبنان، عراق، یمن و ... برای کسب موقعیت برتر منطقه‌ای تفسیر و تعبیر می‌کند.

کاترین. ای. شویکت (Catherine E. Shoichet) و ماریانو کاستیلو (Mariano Castillo) (۲۰۱۶) در مصاحبه‌ای با سی ان ان (CNN)، تحت عنوان؛ «گسترش صف‌آرایی ایران و عربستان به کشورهای دیگر» (Saudi Arabia-Iran row spreads to other nations)، رویارویی دو کشور ج.ا. ایران را خارج از رقابت سنتی شیعه، سنی و در قالب رقابت ژئوپولیتیکی تحلیل می‌کند و داستان حاکم بر روابط آن‌ها را داستان قدرت و نفوذ می‌خوانند. از این رو؛ این دو تحلیل‌گر به موفقیت راه‌های دیپلماتیک برای حل و فصل بحران‌های یمن و سوریه نه تنها مطمئن نیستند بلکه نتیجه می‌گیرند که روابط ایران و عربستان در آینده نیز همچنان ستیزه‌جویانه در حوزه‌های دیگر خاورمیانه ادامه خواهد یافت.

در این پژوهش سعی شده است، داده‌های تحلیلی و توصیفی تقابل سیاست خارجی ج.ا. ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه به‌خصوص سوریه، در قالب نظریه بازیها مورد تحلیل

قرارگیرد. نظریه بازی‌ها (Game Theory) حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد، توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی میان «عوامل عقلانی» می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب شده توسط خود بلکه به راهبرد انتخاب شده توسط بازیگران دیگر نیز بستگی داشته باشد. زندگی روزمره ما هم مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی است. (عبدلی، ۱۳۸۶: ۱۹) رقابت دو کشور برای دستیابی به انرژی هسته‌ای یا منطقه‌ای استراتژیک، سازوکار حاکم بر روابط میان دو کشور در حل یک مناقشه بین‌المللی و ... نمونه‌هایی از این بازی‌ها هستند که نتیجه آن‌ها براساس حاصل جمع جبری صفر قابل تبیین است. ادعاهای ناظر بر کاربردهای ممکن نظریه-بازی‌ها را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد؛ کاربردهای تحلیلی و کاربردها برای مشکل-گشایی. این تقسیم‌بندی از آنجا منتج می‌شود که نظریه بازی‌ها هم شیوه‌ای برای اندیشیدن درباره تعارض و تصمیم‌گیری است و هم وسیله‌ای برای کشف استراتژی‌های بهینه یا روشن ساختن مشکلات تصمیم‌گیری. می‌توان ادعا کرد، نظریه بازی‌ها ماده خامی در اختیار دانشمندان علوم سیاسی قرار می‌دهد که از آن مدل‌هایی دقیق، مقتصدانه و نیرومند بسازند. مدل‌هایی جدیدی که ممکن است، برتری بارزی بر مدل‌های موجود داشته باشد. (عبدلی، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

نظریه بازی‌ها از موقعیت‌های رقابتی بحث می‌کند که در آن دو یا چند رقیب هوشمند با منافع متضاد به رقابت می‌پردازند. در این رقابت، بازیگران چندین انتخاب پیش روی دارند و هر بازیگر تلاش می‌کند تا دریافت خویش را بهینه سازد. (عرب، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳) از آنجا که ج.ا. ایران و عربستان در خاورمیانه بازیگران مطرحی هستند، دارای منافع متعارض نیز می‌باشند و با هم در رقابت هستند، به نظر می‌رسد که نظریه بازی‌ها بتواند چگونگی این بازی را میان این دو کشور تشریح و تبیین کند. این وضعیت اکنون در نگاه عربستان و ایران به عراق، بحرین، یمن و سوریه قابل مشاهده است. می‌توان واکنش عربستان به موفقیت ج.ا. ایران در عراق را درون سوریه با حمایت از مخالفان بشار اسد مشاهده نمود و واکنش ج.ا. ایران به برخورد عربستان در کشور سوریه را در یمن مشاهده کرد و اقدامات عربستان در سوریه را نیز تابع سیاست‌های ج.ا. ایران در بحرین و عراق ارتباط داد.

یکی از مفروض‌های اصلی نظریه بازی‌ها، اصل «کم بیشینه» است. طبق آن هر بازیگر به دنبال بیشتر کردن، کمترین امتیازی است که در بدست آوردن آن مطمئن است و نیز در پی کم کردن، بیشترین ضرری است که تحمل آن اجتناب‌ناپذیر است. این اصل در بازی حاصل جمع عددی صفر، صدق می‌کند. (حقیقت، ۱۳۸۵، صص ۱۸۴-۱۸۳) این بازیگر را بازیگر «کمینه‌گر» می‌گویند. در مقابل، بازیگر بیشینه‌گر (Maximizing player) را داریم. بازیگری که در یک بازی دو نفره با حاصل جمع ثابت سعی دارد، پیامد کمینه ناشی از یک استراتژی را برای خود بیشینه سازد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵). به بیان دیگر، بازیگری که در حوزه رقابتی سیاست‌های تهاجمی دارد، بازیگر بیشینه‌گر و بازیگری که سیاست‌های تدافعی را دنبال می‌کند بازیگر کمینه‌گر محسوب می‌شود.

«ماتریس بازده‌ها» (Payoffs matrix)؛ از دیگر مفاهیم موجود در نظریه بازی‌ها است که به آرایش مستطیل شکل از پیامدهای گوناگون بازی گفته می‌شود. سطرهای این مستطیل متناظر با استراتژی‌های خودمان و ستون‌های آن، متناظر با استراتژی‌های حریف است. (ونتسل، ۱۳۷۲، ص ۱۲)

تئوری حرکت‌ها (Moves theory)؛ یکی از بزرگ‌ترین پیشرفت‌ها در نظریه بازی‌ها توسط پروفیسور استیون برامز (Steven J. Brams) صورت گرفته است. وی شیوه‌ای تعمیمی برای نظریه بازی‌ها یافته که نظریه حرکت - حرکت یا نظریه حرکت‌ها خوانده می‌شود. استیون نشان می‌دهد که چگونه با واکنش هر بازیکن به راهبرد بازیکن دیگر، بازی تکامل می‌یابد. (Brams, 1998: 34) به اعتقاد برامز، بازیگران نه تنها در ذهن خود آثار فوری حرکات را در نظر می‌آورند بلکه به آثار ضد حرکت‌ها (Counter-moves) یا واکنش‌های این حرکات و ضد ضد حرکت‌ها (Counter-counter-moves) توجه دارند. (Brams, 1998: 1) تئوری حرکت با توجه خاص به مفهوم بازده در نظریه کلاسیک بازی‌ها به این نکته اشاره دارد؛ بازده‌ها به بازیگران این امکان را می‌دهد تا از حرکت‌هایی که در موقعیت‌های متفاوت رخ می‌دهد، ارزیابی پی در پی داشته باشند. (Brams, 2001: 8) از دید برامز، در تئوری حرکت، به جای گزینش استراتژی‌هایی از سوی دو بازیگر در ماتریس بازده، بازیگران از یک نتیجه در ماتریس آغاز می‌کنند و در جریان بازی است که تصمیم می‌گیرند، حرکت کنند یا نه. (Brams, 1994: 4) بدین صورت در تئوری حرکت، قوانین بازی نیز در جریان بازی و از سوی بازیگران درگیر، تعیین و عملیاتی می‌شوند. در نظریه کلاسیک بازی‌ها، بازیگر هم‌زمان در ماتریس بازی استراتژی‌هایی را برمی‌گزیند که آثار انتخابی آن‌ها را روشن می‌کند اما در تئوری حرکت به جای اینکه بازی با گزینش یا استراتژی آغاز شود، چنین فرض می‌شود که بازیگران در آغاز بازی در چندین وضع قرار داشته‌اند یا چنین وضعی را می‌توانند انتخاب کنند. بر پایه این بازده‌ها، آن‌ها باید به تنهایی تصمیم بگیرند که این وضع را برای اینکه بهتر شود، تغییر دهند یا نه. (Brams, 2001: 3) تئوری حرکت‌ها قائل به تداوم بازی است. از همین رو، جابه‌جایی واکنش‌های بازیگران و در پیش گرفتن موضع سخت و نرم همواره تکرار می‌شود و این حرکات و ضدحرکات در بازی جریان دارد. (Brams, 1998: 33)

در محیط عملیاتی واقعی در سوریه، عربستان در پی رها کردن اهداف و منافع خویش است. به شرط آنکه ایران، یمن را رها کند ولی ایران در یمن علاوه بر حفظ منافع خویش در سوریه، به دنبال کسب موقعیت بهتری برای شیعیان یمن است تا موقعیت انصارالله یمن را همانند موقعیت حزب الله لبنان ارتقا بخشد. در این مورد سندی وجود دارد که از پیام محرمانه عربستان به ایران رسیده است. سعودی‌ها در این سند گفته‌اند؛ ما سوریه را رها می‌کنیم و شما یمن را رها کنید. (jahannews, 2015.dciypa5rt1apr2) ایران در سوریه تاکنون از بشار اسد حمایت کرده است و در مقابل پروژه تجزیه سوریه، مخالفت خویش را اعلام داشته است. اما در فضای سیاسی احتمالی پس از بشار اسد، ایران می‌بایست حداقل الگوی لبنان را دنبال کند

تا در بازی منطقه شرق مدیترانه، موقعیت استراتژیک خویش را از دست ندهد. به عبارتی؛ ایران باید از وارد شدن بیشترین ضرر به موقعیت خود در سوریه جلوگیری کند.

اهمیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی سوریه

سوریه، زمانی مرکز امپراتوری اسلام بود. گروه‌های نژادی گوناگونی از قبیل؛ عرب (۹۰ درصد)، کرد (۹ درصد)، ارمنی، آشوری و ترکمن (۱ درصد) در آنجا زندگی می‌کنند. از لحاظ مذهبی نیز مسلمان سنی (۷۴ درصد)، علوی (۱۲ درصد)، مسیحی (۱۱ درصد) و دروزی (۳ درصد) جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. سوریه بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸م، حدود ۲۰۵۸۱۲۹۰ نفر جمعیت داشته و مساحتی بالغ بر ۱۸۵۱۷۰ کیلومتر مربع دارد. این کشور در سال ۱۹۴۶ م. از فرانسه استقلال یافته و از دوره حافظ اسد، دارای حکومت اقتدارگرایانه بوده و در عرصه بین‌المللی با سیاست‌های ضدصهیونیستی توصیف شده است. (ذوقی بارانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰)

از لحاظ جغرافیایی، در جنوب غربی قاره آسیا، کنار دریای مدیترانه و در همسایگی کشورهای ترکیه در شمال، عراق در شرق و جنوب شرقی، اردن در جنوب، اسرائیل در جنوب غربی و لبنان در غرب واقع شده است. بندرهای مهم سوریه عبارتند از: لاذقیه، طرطوس و بانیا که در کنار دریای مدیترانه واقع شده‌اند. این کشور به واسطه ژئوپلیتیک ویژه، بافت نیروی انسانی، دیدگاه متفاوت در جهان عرب، نزدیکی به فلسطین و داشتن اتحاد استراتژیک با ج.ا. ایران، از اهمیت و توجه ویژه‌ای برخوردار شده است. در میان کشورهای عربی، در کنار مصر و عربستان جزو لایه‌های نخست کشورهای مهم جهان عرب است. این کشور، در حوزه مقاومت جهادی، ستون فقرات مقاومت شناخته می‌شود. بالتبع جایگاه سوریه در جهان عرب، جهان اسلام، جغرافیای خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای باعث شده است، هرگونه رویدادی در سوریه، پیامدهای متفاوتی در این لایه‌ها و از هر لایه‌ای به لایه دیگر در پی داشته باشد. (ذوقی بارانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۱)

سوریه در سواحل شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته است. از ۱۸۶ کیلومتر ساحل برخوردار است و همسایگی این کشور با فلسطین اشغالی و اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق اهمیت استراتژیک سوریه را بسیار بالا برده است. سوریه تنها کشور در میان کشورهای عربی خاورمیانه است که نقش نسبتاً مستقل تری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نموده است. نقش آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و درگیری این کشور با اسرائیل، از جمله مواردی است که از لحاظ راهبردی سوریه را مهم جلوه می‌دهد. نکته دیگر آنکه سوریه جزئی از جریان مقاومت در کنار ج.ا. ایران، حزب الله و حماس در مقابله با اسرائیل به حساب می‌آید. دلیلی دیگر برای اهمیت استراتژیک این کشور نزد بازیگران بین‌المللی؛ توانایی سوریه برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق از طریق بنادر بانیا و طرطوس در سواحل مدیترانه به اروپاست. (Nerguizian, 2012: 84)

بنابراین اهمیت راهبردی سوریه را می‌توان در این موارد خلاصه نمود:

- ۱- قرار گرفتن در نقطه اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا
 - ۲- همسایگی با لبنان، عراق و فلسطین به عنوان؛ اجرای مهم ژئوپولیتیک مد نظر ایران
 - ۳- تنها کشور نزدیک به ایران در اتخاذ سیاست‌های مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی در جهان-عرب
 - ۴- مسیر انتقال نفت و گاز ایران و عراق به اروپا
 - ۵- اثرگذاری در موفقیت جبهه مقاومت و ارتباط دهنده ایران به حماس و حزب‌الله.
- در صورت ایجاد مشکل در رژیم بشار اسد و سر کار آمدن نیروهای دیگر به جای وی، به‌خصوص در صورتیکه وابستگان آمریکا و عربستان در سوریه به قدرت برسند، دستیابی ایران به منطقه از بین خواهد رفت. البته امکان دارد در رژیم سیاسی بعد از بحران در سوریه، ج.ا. ایران بتواند یک حزب‌الله دیگر؛ مانند حزب‌الله لبنان داشته باشد. لذا بر این اساس، تا جایی که می‌تواند باید از بشار اسد حمایت کند ولی در نهایت می‌بایست نقطه اتکایی در حاشیه مدیترانه و شامات برای خویش تدارک ببیند. بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی ج.ا. ایران و سوریه اهمیت و جایگاه این کشور را در سیاست خارجی ج.ا. ایران و حساسیت عربستان را نسبت به آن بیشتر نشان خواهد داد.

روابط سیاسی ج.ا. ایران و سوریه

روابط سیاسی ج.ا. ایران و سوریه به سال ۱۹۴۶م برمی‌گردد. با استقلال سوریه، ایران بلافاصله آن را شناسایی نمود. در این دوران حکومت‌هایی با دیدگاه‌های متفاوت در این کشورها وجود دارند اما وجود یک دشمن مشترک (رژیم بعث عراق) روابط و همکاری‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز مناسبات سیاسی و روابط استراتژیک مستحکمی میان دو کشور متأثر از ادامه حیات دشمن سابق (صدام حسین) و اتخاذ استراتژی مشترک در قبال رژیم صهیونیستی می‌باشد که آن‌ها را به متحدین استراتژیکی تبدیل نموده است. نمود این اتحاد در حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا نظیر؛ حماس، حزب‌الله و ایجاد محور مقاومت در برابر سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و اسرائیل ظاهر شده است. در قبال آن؛ کشورهای غربی و عربی از دهه ۸۰م شروع به یکسری اقدامات جهت دور کردن سوریه عربی از ایران فارسی نمودند. نمونه بارز آن؛ تلاش عربستان و کویت برای کنترل یا قطع ائتلاف سوریه با ج.ا. ایران در طول (جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران) و پیشنهاد تأمین نفت مورد نیاز سوریه و حزب‌الله از طرف آن‌ها به جای ج.ا. ایران بود که دولت سوریه نمی‌پذیرد و تأکید می‌کند که روابط ایران و سوریه، استراتژیک است. (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۷)

در زمان جنگ ج.ا. ایران و عراق، سوریه به دلیل اختلاف نظر شدیدی که با «صدام حسین» بر سر رهبری جهان عرب و نگرش آن نسبت به ج.ا. ایران داشت؛ همواره از ایران پشتیبانی و حمایت کرد و ج.ا. ایران نیز در مقابل امتیازهای تجاری و اقتصادی قابل توجهی به سوریه اعطا می‌کرد که از آن جمله؛ می‌توان به صادرات یک میلیارد دلار نفت خام رایگان به سوریه

در مقابل مسدود کردن مسیر صادرات نفت عراق از خاک سوریه) اشاره نمود. دولت سوریه، انقلاب اسلامی ایران را عاملی می‌دانست که ایران را از متحد اسرائیل به طرفداری اعراب تبدیل کند. به قول (حافظ) اسد: «ایران بدون شک از اعراب و آزادسازی سرزمین ما حمایت می‌کند ... چگونه ما می‌توانیم ایران را با انقلاب اسلامی و استعداد های انسانی، نظامی و اقتصادی اش از دست بدهیم». در آغاز جنگ عراق علیه ج.ا. ایران، (حافظ) اسد حمله صدام را محکوم و آن را جنگی اشتباه در «زمان اشتباه» و علیه «دشمن اشتباه» دانست. (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۵) سوریه در نوامبر ۱۹۸۰م با ایجاد ائتلاف عربی علیه ج.ا. ایران مخالفت کرد. در سال ۱۹۸۱ م کاملاً طرف ج.ا. ایران را گرفت و در سال ۱۹۸۲م خط لوله نفت عراق را به خاطر ج.ا. ایران قطع و تلاش کرد تا شوروی را از حمایت عراق بازدارد، کشورهای عمان و امارات را به برقراری روابط با ایران ترغیب نماید و حتی با فشار به عربستان و کویت و نیز تطمیع و تهدید آن‌ها به قطع کمک به سوریه در قبال اسرائیل، تن به قطع ارتباط با ایران نداد. (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۶) علاوه بر این؛ سوریه، اجازه استقرار نیروی سپاه پاسداران در خاک خود و نزدیکی مرز لبنان را صادر کرد تا از این طریق حزب الله لبنان مستقیماً از جانب ایران حمایت شود. (Ozcan, 2011) در بحث پرونده هسته‌ای نیز؛ سوریه دائم از برنامه هسته‌ای ج.ا. ایران دفاع نموده و اعلام کرد؛ ایران حق دارد بر اساس قوانین بین‌المللی از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز استفاده کند.

البته سوریه طی سه ده گذشته، ارتباطات و مناسبات خود در جهان عرب را فدای ایران نکرده و همواره از موضع اعراب در مناقشات با ج.ا. ایران حمایت به عمل آورده است. سوریه؛ از امارات متحده و ادعاهای آن نسبت به جزایر سه‌گانه حمایت نموده و از کنار رابطه خود با ج.ا. ایران توانسته از اعراب کمک مالی کسب کند، ارزش خود را در نظر اعراب بالا ببرد و نقش میانجی را در منازعه ج.ا. ایران و اعراب ایفا کند. همچنین نقش مشابهی نیز در منازعه غرب با ج.ا. ایران داشته باشد. (هاتر، ۱۳۹۲، ۳۷۷) در خلال جنگ داخلی سوریه، ج.ا. ایران از اصلی‌ترین حامیان حکومت بشار اسد محسوب می‌شود که این امر، مورد اذعان وی نیز قرار گرفته است. با شروع بحران، روابط نظامی و امنیتی سوریه و ج.ا. ایران بیشتر شده است. سپاه پاسداران ج.ا. ایران، حمایت خود را از حکومت بشار اسد افزایش داده است. آن‌ها نیروهای نظامی و امنیتی کلیدی سوریه را آموزش دادند و به این کشور کمک کردند تا توانایی نظامی خویش را گسترش دهد. (سایت آفتاب، نجات، ۱۳۹۳)

با وجود این سابقه به نظر می‌رسد؛ روابط ج.ا. ایران و سوریه، روابط استراتژیک در مقابل دشمن مشترک بوده و در هر دوره می‌بایست استمرار داشته باشد. با نگاهی که ایران به موقعیت استراتژیک شامات دارد، مؤلف این پژوهش بر این اعتقاد است؛ با توجه به تفاوت‌های ایدئولوژیک ایران و اسرائیل پس از انقلاب، سوریه جایگزین اسرائیل در استراتژی مدیترانه‌ای ایران شده است. ایران بنا به خروج از بن بست و مشکلات تنگه هرمز ناگزیر از انتقال انرژی از مسیر زمینی به مدیترانه می‌باشد. لذا بر این اساس، به موقعیت استراتژیک و

ژئواکونومیک شامات و عراق نیاز دارد. به همین خاطر مسیر استراتژیک عراق، سوریه و لبنان برای ج.ا. ایران مهم تلقی می‌شود.

روابط اقتصادی ج.ا. ایران و سوریه

خرید نفت با شرایط به صرفه، سرمایه‌گذاری شرکت‌های ایران در سوریه و درآمدزایی در سوریه به واسطه رفت و آمد توریست‌ها (و زائرین) ایرانی، فواید اقتصادی برقراری روابط ایران و سوریه است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰م، سرمایه‌گذاری ج.ا. ایران در سوریه افزایش یافته و در سال ۲۰۰۸م به ۳ میلیارد دلار رسیده بود. ایران در سوریه در تعدادی از پروژه‌های صنعتی و تولیدی از جمله؛ احداث کارخانه اتومبیل‌سازی و سیمان مشارکت داشته است. (هانتر، ۱۳۹۲، ص ۳۷۳) علاوه بر این؛ سوریه سال‌هاست که از دریافت نفت رایگان و زیر قیمت بازار از ایران بهره‌مند می‌شود. (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۴)

شرکت مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران (مپنا) (Mapna) اقدام به مشارکت در ساخت چند نیروگاه برق در سوریه؛ از جمله نیروگاه سیکل ترکیبی «جندر» (Jandar) و «نیروگاه سیکل ترکیبی» «تشرین» (Teshrin) نموده است. قرارداد ساخت این نیروگاه در سال ۱۳۸۶ ش. منعقد شد (سیاست روز، پناه‌خواهی، ۱۳۸۹) تلاش‌هایی نیز برای انتقال انرژی ج.ا. ایران به اروپا از خاک سوریه و عراق صورت گرفته است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت (MOP)، مهندس جواد اوجی به این موضوع اشاره داشته است: «به این منظور (انتقال نفت و گاز به اروپا) قرار است، خط لوله‌ای از پارس جنوبی به طول ۷۵۰ کیلومتر تا مرز ایلام کشیده و از این طریق گاز ایران از پارس جنوبی به عراق و سپس به سوریه، لبنان و دریای مدیترانه و در نهایت اروپا صادر شود.» (mop, 1395) عبور خطوط انتقال انرژی ایران به اروپا از فواید روابط اقتصادی سوریه و ایران می‌باشد.

روابط نظامی ج.ا. ایران و سوریه

همکاری نظامی دو کشور به جنگ عراق برضد ایران برمی‌گردد. سوری‌ها در این جنگ، با ارسال تسلیحات نظامی ج.ا. ایران را یاری می‌کردند. (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴) ضمن اینکه زمینه‌های حضور نیروهای قدس را «بقاع» لبنان فراهم ساختند تا با بسیج سیاسی و فرهنگی به جذب و آموزش جوانان شیعه در بقاع اقدام کنند. جوانانی که پیشگامان تشکیل حزب‌الله و مقاومت نظامی شدند (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۶۱) ج.ا. ایران و سوریه در سال ۲۰۰۶م اقدام به امضای یک تفاهم‌نامه نظامی کردند که بر پایه آن، همکاری‌های نظامی دریایی این دو کشور در دریای مدیترانه گسترش می‌یافت. ولی مفاد این پیمان تا سال ۲۰۱۱م و انقلاب ۲۰۱۱ مصر و سقوط حکومت حسنی مبارک عملی نشد. پس از دست دادن کنترل کانال سوئز توسط حکومت حسنی مبارک بود که دو ناو جنگی ایرانی برای اولین بار موفق شدند به مدیترانه راه یابند و در بندر «لاذقیه» سوریه پهلو بگیرند. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۹) ایران در سال ۲۰۱۰م در جهت ردیابی حملات موشکی و هوایی اسرائیل، اقدام به تحویل دادن یک سامانه راداری پیشرفته به سوریه کرد (Levinson, 2010) با این توصیف، اهمیت

روابط استراتژیک سوریه با ایران، این کشور و دولت آن را جزو خطوط قرمز ج.ا. ایران قرار داده است.

اشتراکات استراتژیک ج.ا. ایران و سوریه

باتوجه به سوابق روابط ج.ا. ایران و سوریه، روابط این دو کشور مهم و استراتژیک تلقی می‌شوند. ج.ا. ایران سوریه را بیشتر به‌عنوان یک دروازه استراتژیک به دنیای عرب و مهم‌تر از آن، راه ارتباط با حزب‌الله و یک سنگر علیه آمریکا و اسرائیل می‌بیند. بنابراین همان‌طور که اشاره شد، روابط ایران و سوریه چیزی فراتر از ابعاد ایدئولوژیک و بیشتر بر اساس نگاه امنیتی و استراتژیک و نیز یک‌سری اشتراکات استراتژیک استوار است.

الف- ضدیت با امپریالیستی

ج.ا. ایران و سوریه هر دو از امپریالیسم و استعمار، زیان دیده و به فکر جبران آن هستند؛ به همین خاطر در قبال نظام جهانی، سیاست ضدیت با وضع موجود را اتخاذ نموده‌اند. ایران به‌دلیل از دست دادن مناطقی از سرزمین خود در جنگ‌های ایران و روس و واگذاری هرات، تحت فشار نظامی و سیاسی انگلستان، همچنین اشغال در دو جنگ جهانی اول و دوم و نیز حوادث کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و پروژه جدایی بحرین و در نهایت نیز جنگ تحمیلی عراق برضد ایران و سوریه؛ به‌دلیل تجربه دوران استعمار و تحت قیمومت قرار گرفتن، جدا کردن لبنان و جنگ اعراب و اسرائیل که باعث تشکیل یک دولت مسیحی در شرق و یک دولت یهودی در غرب سوریه شد و همچنین اشغال بلندی‌های جولان توسط اسرائیل به پشتیبانی قدرت‌های بزرگ، به‌شدت موضع ضد امپریالیستی دارند.

ب- مسأله کردها و امنیت ملی

ج.ا. ایران به‌خاطر داشتن اقلیت کرد، همیشه مسائل مربوط به کردهای عراق، سوریه و ترکیه را مورد توجه قرار داده است. اندیشه‌های سیاسی کرد براساس قومیت قرار گرفته و کردهای این کشورها در بخش‌های فقیرنشین آن‌ها ساکن هستند و نیز می‌توانند مورد بهره‌برداری دولت‌های رقیب و معارض در منطقه قرار گیرند. به‌علاوه، این قوم همیشه خود را محروم از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند و فکر تشکیل حکومت بزرگ کردستان را در سر دارد. از طرفی، کردهای منطقه در تحولات اخیر سوریه به صورت فعال و اثرگذار شرکت دارند. از گروه‌های معارض بشار اسد می‌توان به کردهای موسوم به جمعه آزادی و یا اسیران آزادی نام برد. حضور فعال آن‌ها در اعتراضات مناطق کردنشین «حسکه» و «قامشلی» و مناطق کردنشین دمشق، نشان از برجسته شدن هرچه بیشتر نقش کردها در تحولات اخیر سوریه دارد. (گروه بین‌الملل فردا نیوز، ۱۳۹۴) یکی از اهداف ج.ا. ایران، جلوگیری از تجزیه سوریه است. با حضور فعال اپوزیسیون کرد در مذاکرات مربوط به سرنوشت سوریه و خودمختاری کردها، امکان بهره‌برداری قدرت‌های فرامنطقه‌ای از آن‌ها به‌منظور اجرایی نمودن

پروسه تجزیه سوریه تقویت می شود که موردپسند ج.ا.ایران نیست. زیرا با موفقیت آن ها، امکان تحرک مجدد کردهای ایران نیز وجود دارد.

ج- اهمیت علوی های سوریه

سوریه دارای نظام تک حزبی است. رهبران این حزب از ۱۹۶۳م قدرت سیاسی را به دست گرفته اند. ساختار حزب بعث در اختیار اهل سنت و ساختار دولت و نهادهای امنیتی در دست علوی ها است. از زمان فوت حافظ اسد و انتقال قدرت به فرزندش، نقش حزب بعث کم رنگ شده و امور دستگاه های امنیتی به طور کامل در دست علویان افتاده است. (غریاق زندگی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲) رژیم علوی در سوریه خطر کمتری از رژیم سنی در سوریه برای ج.ا. ایران دارد. وجود رژیم علوی در سوریه می تواند شکاف فارسی، شیعی، عربی و سنی را که اهل سنت و اعراب به آن دامن می زنند؛ کاهش دهد. ضمن اینکه ایران به واسطه رژیم علوی سوریه می توان از نفوذ عربستان در منطقه نیز جلوگیری به عمل آورد. از دید عربستان، سقوط بشار اسد؛ یعنی از بین رفتن متحد استراتژیک ج.ا. ایران در منطقه است که باعث تضعیف قدرت نفوذ ایران خواهد شد. این مسأله، زمینه را برای عربستان مهیا می سازد تا رهبری ائتلاف سنی طرفدار و هم پیمان با غرب را از آن خود کند و از این طریق می تواند شکاف سنی و شیعه را تشدید نموده و ائتلاف ضد ایرانی را مستحکم نماید.

د- اهمیت سوریه در حمایت از حزب الله

ج.ا.ایران، بارها از جمله؛ در جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۳۳ روزه و اخیراً در جنگ ۸ روزه حزب الله با اسرائیل رسماً اعلام کرد که از حزب الله حمایت نموده است. ضمن اینکه از حمایت حماس در قبال حملات اسرائیل به غزه و تلاش این گروه در بازپس گیری سرزمین اشغالی فلسطین نیز دریغ نکرده است. مطمئناً تحلیل چگونگی کمک های ایران به حزب الله و حماس بدون در نظر گرفتن نقش سوریه بسیار مشکل است. برای ایران خطر بی ثباتی سوریه حداقل شامل؛ از دست رفتن بخشی از توانایی اعمال نفوذ در منازعات اعراب اسرائیل، فلسطین اشغالی و متحدان شیعی خود در لبنان و به خصوص گروه حزب الله است. (Nerguizian, 2012: 84)

سوریه، لبنان را منطقه حائل و ایران، آن را جبهه مبارزه با اسرائیل می داند. سوریه پس از انقلاب اسلامی ایران، امکان حضور ایران در لبنان را تأمین و تضمین می کرد. این امر موجب پیدایش حزب الله، تشدید حرکت اسلامی فلسطین اشغالی و فشار بر اسرائیل شد و نیز تداوم این جریانات از نظر صدور انقلاب، بسیار موفقیت آمیز تلقی می گردید. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۱۷۵) پیروزی معارضان سوری و برکناری بشار اسد و دولت وی، موجب می گردد که ج.ا.ایران یکی از مهم ترین متحدانش را در منطقه از دست بدهد و موقعیت جریان مقاومت علیه اسرائیل تضعیف گردد. به عبارت دیگر؛ کنار رفتن «اسد» از صحنه سیاسی، بازتاب مستقیمی بر تحولات منطقه و جایگاه منطقه ای ایران خواهد گذاشت؛ به طوریکه

موقعیت حزب الله و به دنبال آن حماس نیز به خطر می افتد و از نفوذ ایران در منطقه کاسته و مسائل امنیتی ایران بیشتر و پیچیده تر می شود.

۵- اهمیت ژئواستراتژیکی سوریه برای ج.ا.ایران

سه دیدگاه اساسی درباره نوع رویکرد و راهبرد سیاست خارجی ج.ا. ایران در قبال سوریه قابل ذکر باشد.

الف) دیدگاه حقوق بشری بر این باور است که حکومت بشار اسد و حاکمیت حزب بعث در سوریه، دارای ساختار غیردمکراتیک و ناعادلانه بوده و در جریان تحولات اخیر و برخورد با معترضان به نقض گسترده حقوق بشر پرداخته است و ج.ا. ایران نیز باید با درک این موضوع، همگام با کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه ای؛ از جمله ترکیه و بیشتر کشورهای عضو اتحادیه عرب، در صف تحریم کنندگان سوریه قرار گرفته و سرانجام در راستای سقوط حکومت بشار اسد حرکت کند. (سیاسی پرسمانی، زینی وند، ۱۳۹۴) براساس تحلیل این دیدگاه حداقل با نیاز ج.ا.ایران به موقعیت استراتژیکی سوریه در شرق مدیترانه، وی می بایست از حساسیت مخالفان بشار اسد نسبت به خود با مشارکت در روند انتقال حکومت در سوریه جایگاهش را با حفظ ارتباط با گروه های سیاسی و نظامی که احتمالاً در سوریه آینده می توانند در قدرت سیاسی مشارکت کنند، حفظ نماید.

ب) دیدگاه صرفاً ایدئولوژیک؛ بر این باور است که حکومت کنونی سوریه در صف جریان مقاومت منطقه بوده و موقعیت استراتژیکی این کشور به لحاظ همجواری با گروه های مقاومت در لبنان و فلسطین، از اهمیت ویژه ای در راستای آرمان های جمهوری اسلامی برخوردار است و از آنجا که سقوط بشار اسد در صف جریان مقاومت خلل ایجاد می کند، باید در هر شرایطی از سقوط حکومت سوریه جلوگیری کرد. (سیاسی پرسمانی، زینی وند: ۱۳۹۴)

ج) دیدگاه ژئوپلیتیکی و استراتژیکی بر این باور است که ج.ا.ایران یک قدرت منطقه ای و بلکه قدرت برتر منطقه است. یکی از مؤلفه های برتری قدرت آن ساختار سیاسی و امنیتی خاص حاکم بر این منطقه حساس است. ساخت قدرت در خاورمیانه و وجود گروه های مقاومت؛ از جمله حزب الله، حماس، اتحاد محکم حکومت بشار اسد با ج.ا.ایران و موقعیت استراتژیکی این کشور متفاوت عربی و از طرفی تحولات اخیر در کشورهای عربی، سقوط دیکتاتورهای دست نشانده و هم پیمان غرب و نیز روی کار آمدن حکومت های اسلام گرا در این کشورها، موقعیت برتر ج.ا.ایران را تحکیم بخشیده و سقوط حکومت سوریه بویژه با دخالت خارجی، معادلات را به نفع رقبای منطقه ای و مخالفان فرامنطقه ای این کشور متحول خواهد ساخت. بنابراین، راهبرد ج.ا.ایران باید مبتنی بر حفظ موقعیت کنونی سوریه باشد. (سیاسی پرسمانی، زینی وند، ۱۳۹۴) باتوجه به اختلافات ایدئولوژیکی و مذهبی میان ایران و رژیم بشار اسد، این دیدگاه بیشتر با واقعیت همخوانی دارد. لذا ج.ا.ایران در راستای رسیدن به این اهداف در سوریه این استراتژی ها را سامان داده است:

۱- ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی و آموزش نظامی - امنیتی به نیروها و ترغیب حزب‌الله به دفاع از سوریه؛ ایجاد این نیروهای شبه‌نظامی در سوریه بر پایه مدل بسیج ایران، این امکان را به ایران می‌دهد تا پس از بشار اسد (و در دوران حکومت‌های جایگزین اسد) نیز به اعمال نفوذ و قدرت در این کشور بپردازد. (تکرار مدل حزب‌الله لبنان در سوریه)

۲- دامن زدن به نفرت اعراب از آمریکا و اسرائیل در قبال بحران سوریه.

۳- استفاده از تاکتیک پدافند غیرعامل در سوریه برای تقویت مواضع دفاعی این کشور؛ یکی از این اقدامات حمایت از پول ملی سوریه، کمک مالی به سوریه و تأسیس ساخت‌های زیربنایی در آن کشور است.

۴- اتحاد و نزدیکی با چین و روسیه (برای تقویت جناح مقابل با آمریکا در خاورمیانه). (سیمبر و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۷۲)

با اتخاذ این استراتژی از جانب دستگاه سیاست خارجی، مشکل ج.ا. ایران بعد از بشار اسد نیز تا حدودی حل خواهد شد. هرچند تاکنون ج.ا. ایران حتی در راه حل‌های سیاسی، پیشنهادی برای حل بحران سوریه با هرگونه پیش‌شرط که منجر به کنار رفتن بشار اسد از قدرت باشد مخالفت خود را اعلام کرده است. مقامات ج.ا. ایران نیز از حمایت ایران از دولت و ملت سوریه صحبت نموده و با طرح تجزیه عراق و سوریه اعلام مخالف نموده‌اند. (Tasnimnews, 1394/12/08)

به‌طور کلی اهمیت امنیتی سوریه برای ج.ا. ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- سوریه به‌عنوان سد نفوذ سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه ۲- هم مرز بودن سوریه با حزب‌الله و اسرائیل. ۳- قرار گرفتن در محل تلاقی و اتصال ایدئولوژی ایران اسلامی و ناسیونالیسم عربی. ۴- سوریه به‌عنوان محلی برای اتخاذ استراتژی دفاع - تهاجم ایدئولوژیک (و ژئوپولیتیک) ج.ا. ایران (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳) این مسائل باعث شده که ج.ا. ایران در ماندگاری بشار اسد نقش بسزایی ایفا نماید. مصداق این نقش، سخنان و اقدامات صریح مقامات ایرانی است. در فروردین ۱۳۹۳ش (آوریل ۲۰۱۴) فرمانده وقت نیروی هوایی سپاه پاسداران اعلام کرد؛ ایران مانع سقوط حکومت بشار اسد شده است. وی بیان می‌کند: «بشار اسد ماند چون خواست ایران بود.» (alef, 2014) ج.ا. ایران در تشکیل نبرهای مقاومت بسیج در سوریه برای مقابله با جریان‌ات براندازانه رژیم بشار اسد نقش بسزایی دارد. البته ج.ا. ایران از راه‌حل‌های سیاسی برون‌رفت از بحران سوریه، بارها حمایت کرده و خواستار حل این مشکل از طریق غیرنظامی شده است. یکی از این راه حل‌ها، درخواست میانجی‌گری میان گروه‌های مخالف و حکومت سوریه از جانب ج.ا. ایران و فرمول تشکیل حکومتی با چهار وزیر از گروه‌های مخالف در مقابل انصراف از درخواست برکناری بشار اسد می‌باشد که این پیشنهاد با مخالفت اخوان‌المسلمین سوریه مواجه شد. (عطایی، ۱۳۹۵)

ج.ا. ایران به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه با داشتن روابط دیرینه تاریخی با دولت سوریه و همچنین اهمیت راهبردی سوریه برای ج.ا. ایران به‌صورت مستقیم

از بحران سوریه متأثر شده است. به گونه‌ای که بحران سوریه به مسأله امنیت ملی ایران تبدیل شده است. ج.ا.ایران برای حفظ امنیت ملی خویش در قبال تهدیدات به وجود آمده، رویکرد حمایت همه‌جانبه خود را از دولت بشاراسد به اجرا گذاشته و اتحادی با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ کرده است و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرده است. این اقدامات ایران در راستای تأمین متحد استراتژیک در منطقه صورت می‌گیرد. در این میان سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک ج.ا.ایران در خاورمیانه می‌تواند نقش بسیار مهمی برای سیاست امنیتی ج.ا.ایران بازی کند. بحران کنونی سوریه ممکن است منجر به تحول ساختاری در مجموعه امنیتی خاورمیانه شود و پای قدرت‌های بزرگ را به منطقه بیشتر باز نماید. تغییر در ساختار قدرت سوریه و سقوط اسد می‌تواند صفت‌بندی فعلی میان کشورها را در منطقه تغییر دهد و گروهی ضدایرانی را در قدرت سیاسی آن کشور به حکومت برساند. این نتیجه به انزوای بیشتر ج.ا.ایران در محیط امنیتی منطقه ختم خواهد شد. این مسائل است که ماندگاری بشاراسد را برای ج.ا.ایران مهم و سقوط آن را خط قرمز خود تعیین می‌کند.

برای تأیید نگاه ژئواستراتژیکی ایران به سوریه و نگاه استراتژیکی سوریه به ایران کافی است به دوست‌یابی این دو کشور و اهمیت قائل شدن به ائتلاف یکدیگر در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته شود. متحدان ایران پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م (۱۳۵۷ش) اغلب اسرائیل در شرق مدیترانه و عربستان در منطقه خلیج فارس بودند. ایران پهلوی، مسأله اعراب و اسرائیل را مسأله‌ای عربی می‌دانست و براساس الگوی تقسیم‌بندی خاورمیانه به کشورهای عربی و غیرعربی، به دنبال ائتلاف فرهنگی میان واحدهای غیرعرب منطقه؛ یعنی اسرائیل و ترکیه بود و تنها در منطقه خلیج فارس با نظارت آمریکا با عربستان سعودی تشکیل ائتلاف داد. پس از انقلاب اسلامی رابطه ج.ا.ایران و اسرائیل در خاورمیانه جای خود را به رابطه ایران و سوریه داد. (غریاق زندگی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) بر این اساس، نگاه ایران به شرق مدیترانه یک نگاه ژئواستراتژیک است. یعنی ایران در هر زمان نگاهی به حاشیه مدیترانه داشته است و بنا به مورد بهره‌برداری‌هایی از آن را انتظار داشته است. اگر در قبل از انقلاب با اسرائیل ارتباط نزدیک برقرار می‌نموده و بعد از انقلاب بنا بر ملاحظات انقلابی و ایدئولوژیکی در کنار سوریه قرار می‌گیرد، چیزی بیش از ملاحظات ایدئولوژیکی را دنبال می‌کند همچنان‌که در بیانات مقامات سیاسی ایران نیز به عمق استراتژیک و دور کردن تهدیدات امنیتی از مرزهای فیزیکی نیز نشانه‌هایی از آن قابل مشاهده است.

ضمن اینکه با نگاهی به اختلافات ج.ا.ایران و سوریه از بعد سیاسی و ایدئولوژیک نیز می‌توان درک نمود که اهمیت این دو برای هم، چیزی فراتر از اهداف ایدئولوژیک می‌باشد. سوریه یک کشور عرب و مدعی سردمداری ملی‌گرای عربی با نظام سیاسی بعثی و گرایشات سوسیالیستی و در نهایت سکولار، چگونه ممکن است در جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ایران جانب کشوری غیرعرب و به تعبیر عراق و عربستان رقیب و دشمن اعراب را بگیرد و در

کنار یک نظام دینی و اسلامی قرار بگیرد؟ مگر اینکه از نگاه استراتژیک به این ائتلاف رسیده باشد.

حتی در طول زمان برگزاری نشست‌های مادرید که برای صلح اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۹۲م از طرف آمریکا تدارک دیده شده بود و منجر به کنفرانس «اسلو» و ورود سوریه به این کنفرانس گردید، ائتلاف ج.ا.ایران و سوریه صدمه‌ای ندید. همچنین همکاری سوریه با آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳م، مذاکرات موسوم به نقشه راه، مذاکرات اسرائیل و سوریه و همچنین اقدام شدید حافظ اسد بر ضد اخوان المسلمین سوریه، باعث تغییر رابطه ج.ا.ایران و سوریه نشد. (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۲)

از جانب دیگر قدرت‌های بزرگ همواره به خاطر موقعیت راهبردی، ذخایر عظیم انرژی و حضور اسرائیل و متحدین دیگرشان؛ از جمله عربستان نسبت به خاورمیانه حساس بوده‌اند. نتیجه مداخله جهانی و متابعت محلی، ظهور جنبش‌های مقاومت عمومی و رژیم‌های تجدیدنظر طلب بوده است. ج.ا.ایران و سوریه به‌عنوان زخم‌خوردگان استعمار و استثمار، گرایشی ضد امپریالیستی داشته و سیاست خارجی تجدیدنظر طلب دارند. بنابراین طبیعی است که با راهبردهای استراتژیک ضد هژمون و ناراضی از وضع موجود در کنار هم قرار بگیرند تا ضمن جلوگیری از ثبات هژمونیک آمریکا در منطقه از به حاشیه رانده شدن خویش در سیاست‌های منطقه‌ای جلوگیری به عمل آورند و بتوانند موانع سیاسی لازم را در برابر جهانی شدن هژمونی قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه پدید آورند.

سیاست خارجی عربستان سعودی در سوریه

اهمیت تغییرات ساختاری در سوریه برای عربستان در دو سطح ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک مطرح است. سعودی‌ها همواره سوریه را به‌خاطر حمایت از گروه‌های مقاومت که به زعم آن‌ها سیاست وضع موجود را به خطر انداخته و مقاومت را در منطقه گسترش می‌دهد، متهم نموده و آن را خطری برای منافع و آینده پادشاهی‌های محافظه‌کار می‌دیدند. الگوی رفتار سیاسی و امنیتی عربستان در برخورد با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که این بازیگر تلاش دارد تا به‌عنوان محور ژئوپولیتیکی منطقه‌ای نقش یکپارچه‌ساز سیاست‌های امنیت، هویت و قدرت را در خاورمیانه عهده‌دار شود. بنابراین در این بازی، خود را در قبال حریف در یک میدان برد و باخت قرار داده است.

اهمیت تغییر در سوریه از بعد ژئوپولیتیکی برای عربستان در ۲ مورد نهفته است؛ الف- موازنه منطقه‌ای با ج.ا.ایران و ب- مداخلات سوریه در حوزه‌های نفوذ عربستان در لبنان و فلسطین. عربستان سعودی از بازیگرانی است که در بحران سوریه رقیب ج.ا.ایران محسوب می‌شود و توسعه نفوذ ج.ا.ایران در سوریه به‌معنای باخت آن است. سقوط رژیم بعث عراق، مصر، تونس و یمن و همچنین بحران در بحرین و تغییر موازنه در غرب آسیا به جانب ج.ا.ایران از تحولاتی هستند که به شدت محیط پیرامونی و حوزه نفوذ عربستان را متأثر و آن

را به موضع گیری در قبال ایران وادار نموده است. به گونه ای که رقابت سنتی خود را با ج.ا.ایران از خلیج فارس به خاورمیانه (غرب آسیا) تعمیم داده است. از ماه مارس سال ۲۰۱۱م. که اعتراضات ضد حکومتی در سوریه آغاز شد، شواهدی دال بر شدت عمل عربستان در قبال رژیم بشار اسد وجود دارد. در واقع، پس از شکاف و اختلاف شدیدی که میان این دو کشور در پی ترور «رفیق حریری»، نخست وزیر لبنان و دست‌نشانده عربستان در سال ۲۰۰۵م به وجود آمد، پادشاهی عربستان استراتژی خود را در قبال سوریه تغییر داد و سیاست به انزوا کشیدن سوریه را در پیش گرفت. (Berti, 2012) اما پس از توافق دوحه در ماه مه ۲۰۰۸م که منجر به تشکیل دولت وحدت ملی در لبنان شد، عربستان، لبنان را که عرصه اصلی تلاش‌های آل سعود بر ضد سوریه و ج.ا.ایران محسوب می‌شد، از دست داد. به همین دلیل، رفتار سعودی نسبت به سوریه به شکل دیگری تغییر کرد؛ از سال ۲۰۰۸م و همچنین در طول ۲۰۰۹م بخصوص در زمان عملیات «سرب گذاخته» اسرائیل، روابط این دو کشور بسیار بهبود یافت و با سفر تاریخی ملک عبدالله پادشاه عربستان به دمشق در اکتبر ۲۰۰۹م به اوج خود رسید. اما به واسطه تلاش‌های عربستان برای شکستن «محور مقاومت» و ایجاد شکاف در اتحاد دوسویه میان سوریه و ایران روابط میان عربستان و سوریه رو به سردی گرایید. البته همزمان با گسترش ناآرامی‌ها و اعتراضات در سوریه، عربستان نیز به سرعت موضع محتاطانه خود را تغییر داد، این اقدامات را به صورت آشکارا محکوم کرد و پادشاه عربستان نیز در اوت سال ۲۰۱۱م سفیر خود را به ریاض فراخواند. (Muir, 2011). از این تاریخ، تلاش عربستان جهت ایجاد اختلاف و شکاف در روابط میان ج.ا.ایران و سوریه شدت گرفت.

حمایت از فعالان سیاسی منطقه که دارای اهداف استراتژیکی مشابه با عربستان و متحدان غربی این کشور هستند، حراست از امنیت آسیب‌پذیر شبه جزیره عربستان به‌طور خاص و خلیج فارس به‌طور کلی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بدون نیاز به حمایت نظامی ایالات متحده، مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و بحرین و اطمینان از کاهش اختلافات و مداخلات در جهان عرب (kamrava, 2011, 6) در این راستا صورت گرفته است. از مهم‌ترین گروه‌های مورد حمایت عربستان در سوریه طی بحران اخیر، ارتش فتح است که جبهه‌النصره و احرار الشام، ۹۰ درصد نیروهای آن را تشکیل می‌دهند. سعودی‌ها و قطری‌ها ۴۰٪ تجهیزات این ائتلاف را تأمین می‌کنند. (گران، ۱۳۹۴) و همچنین گزارشات وسیعی از مداخله و نقش عربستان در حمایت از مخالفان اسد ارائه شده است. (جهان‌نیوز، ۱۳۹۲/۵/۲۸) عربستان از ابتدا به علت تفاوت دیدگاه و اختلاف نظر سیاسی و ایدئولوژیک با اخوان المسلمین، این گروه را تروریست می‌دانست اما بنا به سیاست‌هایی که این گروه در قبال بشار اسد اتخاذ نمودند، نام این گروه را از میان گروه‌های تروریستی حذف و به حمایت آن‌ها پرداخت. به همین شکل، عربستان از هر گروهی که در هدفشان حذف اسد از صحنه سیاسی سوریه است، حمایت می‌کند. حتی اگر سابقه دشمنی با عربستان را داشته باشد. در عوض

ج.ا. ایران نیز از دولت اسد و گروه‌های حامی آن حمایت می‌کند و برای حفظ حکومت سوریه به این کشور نیروی نظامی و مستشاری ارسال می‌نماید.

اهداف سیاست خارجی عربستان سعودی در سوریه

به‌طور کلی، سیاست خارجی و امنیتی عربستان در خصوص محیط پیرامونی و حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای بر سیاست حفظ وضع موجود استوار است. این سیاست در چارچوب ائتلاف با غرب به‌عنوان اصلی‌ترین رویکرد امنیتی پادشاهی عربستان تلقی می‌شود و شالوده نگاه عربستان به پویش‌های موجود است. بنابراین عربستان هرگونه ماجراجویی در سطح منطقه و به‌خصوص در حوزه پیرامونی خود را از جانب کشورهای رقیب، تحمل نخواهد کرد. اهداف ذیل را می‌تواند در سیاست‌های خاورمیانه‌ای عربستان در سوریه مورد واکاوی و مطالعه قرار داد:

الف- موازنه و تقابل با قدرت و نفوذ ج.ا. ایران در منطقه

موضع ضد سوریه‌ای عربستان، حمایت، پشتیبانی‌ها و دخالت نظامی مستقیم عربستان در راستای سرکوب اعتراضات اجتماعی و سیاسی شیعیان مسلمان در بحرین و همچنین اتحاد استراتژیک عربستان با اسرائیل، همگی نشان می‌دهند؛ پادشاهی عربستان تصمیم گرفته تا در برابر نفوذ در حال گسترش ج.ا. ایران در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه بایستد و با آن مقابله کند. عربستان امیدوار است با تضعیف حکومت بشار اسد، قدرت محور شیعه را نیز کاهش دهد. عربستان به‌همراه قطر، اقداماتی را به‌منظور تضعیف بیشتر محور اتحاد ایران - سوریه انجام داده است. به‌عنوان مثال؛ این دو کشور در جهت تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب همکاری‌هایی را صورت دادند و به ارائه پشتیبانی‌های مالی و نظامی به عناصر و گروه‌های مختلف در داخل اپوزیسیون سوریه نیز ادامه دادند. عربستان زمانی که متوجه شد آمریکا با اقدامات و تلاش‌های این کشور به‌منظور تضعیف ج.ا. ایران و بشار اسد همراهی نمی‌کند، از اقدامات غیرمعتاد متحد استراتژیک خود ابراز نگرانی نموده و آمریکا را مورد اعتراض قرار می‌دهد.

زمانیکه تحقق طرح «گلوله نقره‌ای» آمریکا و متحدانش با شکست روبه‌رو شد، عربستان با تکیه بر خزانة خویش و همچنین نفوذ بسیار زیاد خود؛ به‌عنوان یک کشور سنی‌مذهب تصمیم گرفت تا نقش برجسته‌تری را در منطقه ایفا کند، این امر منجر به حمایت و پشتیبانی از گروه‌های مخالف و ضد حکومت بشار اسد شد. آغاز شورش در سوریه فرصتی را برای عربستان فراهم آورد تا سیاست کهنه خویش در جهت تضعیف قدرت نفوذ ج.ا. ایران را در خاورمیانه پیگیری نماید. درواقع هدف استراتژیک عربستان مبنی بر سرنگونی حکومت بشار اسد و تضعیف ایران و حزب‌الله، اساس کار سیاست خارجی عربستان را تشکیل می‌داد.

اتحاد استراتژیکی عربستان و اسرائیل نیز در همین راستا قابل تحلیل است. پس از شکست اسرائیل در دومین جنگ لبنان، محور طرفداران امپراتوری ایران را در پشت درهای اسرائیل

مشاهد نمود و متوجه شد که گنبد شیعه میان ایران از شرق تا لبنان در غرب، با عبور از عراق و سوریه ساخته و پرداخته شده است. این محور مخالف امپراتوری در خاورمیانه و در واقع شامل سه کشور است؛ ایران، سوریه و لبنان (می‌توانیم عراق؛ یعنی دولت مالکی پس از خروج نیروهای ایالات متحده را نیز اضافه کنیم). دبیرکل حزب الله، سید حسن نصرالله به روشنی این محور را با سه «اندام واره» آن تشریح کرده است؛ شانه (ایران)، دست (سوریه) و مشت (لبنان). در مقابل این محور، محور طرفداران امپراتوری قرار گرفته است. اسرائیل؛ به‌عنوان سرنیزه امپریالیسم جهانی در خاورمیانه، امارات و سلطان‌های شبه‌جزیره عربی، مصر در جنوب (پیش از سرنگون شدن فرعون، حسنی مبارک)، و ترکیه در شمال، اعضای آن را تشکیل می‌دهند. در واقع، محور امپراتوری در سال ۱۹۷۸ م. در پیوند با نظمی تشکیل شد که در کمپ دیوید بنیان‌گذاری و جایگزین نظم دوران پس از جنگ دوم جهانی گردید. (داکروب، ۲۰۱۲) بنابراین، تحلیل تقابل عربستان با ج.ا.ایران یک استراتژی براساس جغرافیای سیاسی طراحی شده است که عربستان را در بر گرفته و آن را در قالب محور امپراتوری مجبور به اتحاد استراتژیک با اسرائیل، ترکیه و امپریالیسم جهانی نموده است.

ب- رقابت با سوریه در رهبری جهان عرب

به گمان سعودی، سقوط نظام اسد می‌تواند جایگاه و نقش سوریه را در حمایت از گروه‌های مقاومت کاهش دهد و در این میان می‌تواند پایانی بر نفوذ سوریه در لبنان و فلسطین به‌عنوان حوزه‌های حیاتی عربستان باشد و موازنه بر هم خورده منطقه‌ای پس از تحولات جهان عرب را نیز متعادل نماید. (سیاسی پرسمانی، کرمی، ۱۳۹۱)

نقش‌آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و قرار گرفتن دمشق؛ به‌عنوان دولت حامی مقاومت اسلامی، بر اهمیت استراتژیک این کشور افزوده است. وجود محسوس دولت و ارتش سوریه در لبنان و اثرگذاری آن بر سیاست داخلی لبنان، کمک شایانی به مقاومت لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی نموده است. در لبنان، عربستان سعودی تلاش زیادی کرد تا با حمایت از «سعد حریری» و جریان‌های مستقبل ترتیبات سیاسی درون این کشور را به نفع خود تغییر دهد. با ترور «رفیق حریری»، برخی از سران لبنان، غرب و کشورهای عربی انگشت اتهام را به سوی سوریه، ایران و گروه مقاومت حزب‌الله نشانه‌گیری نمودند. عربستان که تا این زمان نقش سوریه در لبنان را به‌عنوان مداخله در حوزه‌های حیاتی خویش ارزیابی می‌نمود، نقش خود را در همراهی با کشورهای غربی ایفا نمود و با فشارهای بین‌المللی و قطعنامه ۱۵۵۹ سازمان ملل، سوریه مجبور به ترک لبنان پس از نزدیک به دو دهه گردید.

عربستان سعودی در صحنه سیاسی لبنان بویژه زمانی اهمیت یافت، که تلاش کرد به‌عنوان میانجی و طرف ثالث در انعقاد توافق‌نامه ۱۹۸۹ طائف مؤثر واقع گردد - این توافق، آتش جنگ داخلی لبنان را فرو نشاند. پس از عقد توافق‌نامه طائف، عربستان سعودی در بازسازی لبنان نقش مهمی را ایفا کرد. رفیق حریری میلیاردی لبنانی طرفدار آل سعود در سال ۱۹۹۲ م پس از توافق‌نامه طائف به نخست‌وزیری لبنان رسید که این مسأله به افزایش نفوذ عربستان

در داخل لبنان و حضور پررنگ سعودی‌ها در روند بازسازی اقتصادی لبنان منجر گردید. بنابراین اهمیت لبنان برای عربستان و حساسیت‌هایی که این کشور نسبت به مداخله‌های سوریه در لبنان دارد، از این زاویه معنا می‌یابد. از سوی دیگر، مواضع دمشق در برابر اسرائیل سبب شده است تا این کشور به‌عنوان مهم‌ترین عامل در مقابله با سیاست‌های این رژیم در منطقه ایفای نقش نماید. پس از جنگ ۱۹۶۷م که اعراب شکست سختی را از اسرائیل متحمل شدند، روابط کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی وارد مرحله جدیدی شد. مصر طی قرارداد کمپ دیوید در سال ۱۹۸۷م و اردن طی قراردادی در سال ۱۹۹۱م در عوض به رسمیت شناختن اسرائیل، مناطق اشغالی خود را در جنگ سوم پس گرفتند.

کشور سوریه پس از جنگ جهانی سوم، به بسیاری از پناهندگان فلسطینی که طی ۳ جنگ گذشته به سوریه عزیمت کرده بودند، شناسنامه اهدا کرد و برخلاف دیگر کشورهای عربی ضمن به رسمیت نشناختن اسرائیل، مرکز گروه‌های مقاومت شد. پس از عقب‌نشینی مصر و اردن از مبارزه، سوریه به‌عنوان اصلی‌ترین رکن مبارزه برای آزادی فلسطین در جهان عرب ایفای نقش نموده و این همواره در نقطه مقابل سیاست‌های عربستان سعودی است که خود را رهبر جهان عرب می‌داند و نقش خود را در موضوع صلح اعراب و اسرائیل بسیار پررنگ می‌بیند.

باوجود اتهامی که برضد مقام‌های ریاض نشانه رفته است، برخی از ناظران معتقدند که دولت سعودی میانه‌رو بوده و یا حداقل مواضع معتدلی در قبال مسائل اعراب - اسرائیل دارد. از جمله شواهد مستدل برای این ادعا، طرح صلح پیشنهادی عربستان سعودی است که اتحادیه عرب در کنفرانس سران در مارس ۲۰۰۲ م. در بیروت آن را پذیرفت. این طرح پیشنهاد می‌دهد؛ تمامی اعضای اتحادیه عرب، کشور اسرائیل را به رسمیت بشناسند و در مقابل، تل‌آویو نیز تمامی سرزمین‌های اشغال شده در جنگ ژوئن ۱۹۶۷م را بازگرداند؛ اما با این تفاسیر، سقوط سوریه می‌تواند علاوه بر کاهش حمایت از گروه‌های مقاومت در سطح منطقه، نقش عربستان را در مسأله فلسطین برجسته و پررنگ سازد.

سعودی‌ها معتقدند؛ در صورت سقوط سوریه و روی کار آمدن جریانی که همراهی خود را با سیاست‌های منطقه‌ای نشان دهد، می‌تواند گام جدی در تحقق زمینه‌های صلح و رسیدن به یک توافق نسبی میان کشورهای عربی و اسرائیل باشد که در این معادله نقش عربستان سعودی برجسته و اثرگذار خواهد بود. (سیاسی پرسمانی، کرمی، ۱۳۹۱) سعودی‌ها از زمان مرگ حافظ اسد و روی کار آمدن بشار اسد نگاه مساعدی به سوریه نداشتند. زیرا بشار اسد بسیار مستقلانه‌تر از سیاست‌های منطقه‌ای عربی عمل کرد. برای مثال؛ در دهه ۹۰، مثلث عربستان، مصر و سوریه جهت‌دهندگان دیپلماسی کلی جهان عرب بود و مشکلات و بحران‌های جهان عرب در چارچوب این مثلث تعریف می‌شد. اما از زمان به قدرت رسیدن بشار اسد، این مثلث تضعیف شد و از سال ۲۰۰۵ به‌طور کامل دچار فروپاشی شد و به دو محور تقسیم شد که یک محور آن مشخصاً ایران و سوریه است. از این رو، عربستان نگاه مساعدی به حکومت بشار اسد نداشته و بحران سوریه فرصت خوبی برای عربستان فراهم نموده است تا با سقوط

سوریه، سیاست‌های محافظه‌کاری عربی در موضع برتری قرار گیرد. (کردپرس، کرمی، ۱۳۹۰) بنابراین سقوط بشار اسد؛ یعنی تضعیف گروه‌های مقاومت که به‌زعم آن‌ها سیاست وضع موجود را به خطر انداخته‌اند و این یعنی؛ تضعیف خطری که منافع و آینده پادشاهی‌های محافظه‌کار را نشانه گرفته‌اند و همچنین سد نفوذ ج.ا.ایران در خاورمیانه و ارتقای جایگاه منطقه‌ای عربستان.

ج- کنترل هلال شیعی

نکته‌ای که سیاست‌گذاران عربستان در سیاست منطقه‌ای خود به آن توجه می‌کنند؛ تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای چون قدرت‌یابی شیعیان در عراق است که از منظر منافع و اهداف منطقه‌ای عربستان سعودی اهمیت بسیار دارد. این تحولات به تغییراتی در محیط منطقه‌ای عربستان منجر شده که در جهت برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به زیان این کشور و به سود ج.ا.ایران تعبیر می‌شود. عربستان با حمایت از معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه سعی دارد، جایگاه خود را در این کشور ارتقا دهد و با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی و به‌خصوص سلفی‌ها به آن‌ها کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست گیرند تا موازنه قدرت را در قبال علویان از دست ندهند. عربستان سعی دارد، درگیری در سوریه را به نوعی نزاع میان شیعه و سنی نشان دهد و از این طریق، رهبری و ریاست اهل سنت را برعهده گیرد. رهبران سعودی در واقع این‌گونه وانمود می‌کنند که حمایت از مخالفان بشار، وظیفه عربستان است و تصور می‌کنند با معرفی حکومت سوریه؛ به‌عنوان نماد شیعه، دولت این کشور را در مقابل سنی‌های سوریه که ۷۰٪ از جمعیت کشور را شکل می‌دهند، قرار بدهد و بتواند جنگ مذهبی به‌وجود آورد و خود را از موج اعتراضات مصون دارد. لذا عربستان با حمایت از معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل و هدایت بحران سوریه سعی دارد، جایگاه خود را در این کشور ارتقا بخشد و با اعمال نفوذ در میان جمعیت سنی و به‌خصوص سلفی‌ها به آن‌ها کمک کند تا قدرت را در این کشور به دست گیرند. (کوهکن و تجریدی، ۱۳۹۳، صص ۱۲۳-۱۱۸)؛ به این شکل عربستان می‌خواهد، بازی باخته اهل سنت را در عراق جبران کند. عربستان در یمن نیز همین سیاست را دنبال می‌کند. این سیاست از جانب سعودی در قبال حمایت ج.ا.ایران از گسترش ژئوپولیتیک شیعه صورت می‌گیرد و در قالب تئوری حرکت‌ها قابل تحلیل است.

عربستان که از موفقیت در بحران‌سازی و حمایت از اهل سنت عراق و نقش‌آفرینی داعش در کنترل ژئوپولیتیک شیعه و به تبع آن ج.ا.ایران راهی از پیش نبرده بود، با کمک فرصت بحران سوریه حرکت بعدی خود را برای تهدید موقعیت متحدان استراتژیک شیعه و ج.ا.ایران دنبال می‌کند و در حرکت‌های بعدی نیز به موقعیت بحرین و یمن دست‌اندازی نموده است.

د- بسط گفتمان سلفی‌گری

یکی دیگر از دلایل عربستان برای مداخله در سوریه و تقویت جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین با اندیشه سلفی‌گری در منطقه است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی‌گردد. حمایت‌های مالی و تسلیحاتی که عربستان از مخالفان در سوریه می‌نماید، همگی تلاشی است برای تقویت و روی کار آوردن سنی‌هایی که در خلأ قدرت، همراهی خود را با عربستان نشان داده‌اند. ریاض اکنون روی کمک اخوان المسلمین و متحدانش حساب باز کرده است. اخوان المسلمین بهترین گروه سازمان یافته محسوب می‌شود که شاید بتواند در درازمدت خلأ قدرت را در سوریه پر کند. ریاض در طول ۳ دهه گذشته به تمام معارضین فراری بویژه اخوان المسلمین و سلفی‌های تندرو پناه داد و آن‌ها را در مؤسسه‌های فرهنگی، دانشگاهی و آموزشی به خدمت گرفت. (سیاسی پرسمانی، کرمی، ۱۳۹۱) در مقطع اخیر، سلفی‌ها به نوعی حامل گفتمان اسلام‌گرایی افراطی هستند که البته نسبت به القاعده ملایم‌تر می‌باشند. این گروه می‌تواند در سوریه موازنه را به سمت عربستان هدایت نمایند.

درواقع عربستان حامل این گفتمان، می‌تواند بستر ساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد. عربستان با استفاده از این فاکتور در تلاش است تا با نشان دادن تقابل شیعی و سنی و حمایت از اکثریت سنی ضمن مهار مخالفان داخلی و حفظ همبستگی میان آن‌ها، حمایت خود را از سنی‌های سوریه ابراز دارد. امری که به دولت عربستان اجازه می‌دهد تا اعتبار مذهبی خود را به مخالفان داخلی اش نشان دهد. عربستان سعودی برای آینده سوریه سعی خواهد کرد، منافع سنیان در منطقه - به رهبری شورای همکاری خلیج فارس را در نظر بگیرد و یک نهاد سیاسی سنی کارآمد و توانا را در سوریه سرکار آورد تا اقتدار و نفوذ یک دولت علوی بازمانده در دمشق، و نیز یورش‌های آتی پشتیبان سنی سوریه؛ یعنی ایران را محدود سازد. اسلام سیاسی به سبک اخوان المسلمین، نشان‌دهنده یکی از راه‌حل‌های احتمالی سنیان در درون این چارچوب است. به همین دلیل، عربستان سعودی این گروه در حال نابودی را به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین احتمالی، از لیست گروه‌های تروریستی خارج ساخته است. استفاد از گزینه سلفیان نیز یکی از گزینه‌های مد نظر عربستان در سوریه است.

و- جلوگیری از ورود انقلاب به عربستان و مدیریت بحران

در حال حاضر نظام سیاسی عربستان سعودی مستبدترین نظام سیاسی منطقه است که به‌شدت حقوق بشر، حقوق زنان، دموکراسی و آزادی بیان را نقض می‌کند. به همین علت، یکی از کشورهای است که درگیر بحران‌هایی ناشی از بهار عربی در منطقه خاورمیانه است و سعی دارد به‌نوعی از ورود بحران به کشورش جلوگیری کند. به‌عبارت دیگر؛ عربستان سعودی به‌طور سنی یک بازیگر محافظه‌کار در منطقه بوده است و درخصوص تحولات بیدار اسلامی در جهان عرب در پی حذف تهدیدات و حفظ امنیت خویش می‌باشد. (Barzegar, 2012: 3) به‌عبارتی؛ اگر عربستان در بحرین به حمایت آل خلیفه و در یمن به حمله علیه الحوثی و در سوریه به تجهیز نظامی مخالفان بشار اسد و ... می‌پردازد، به این

علت است که از گسترش و نفوذ انقلاب از جنس بیداری اسلامی در کشور خود در هراس است.

به خصوص اینکه در عربستان اقلیتی شیعه وجود دارد که اگرچه در اکثر مواقع به صورت منفعل عمل می‌کرده اما در بسیاری موارد نیز تحرکات ضدحکومتی داشته است. در همین خصوص، پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، در جهت حفظ پادشاهی، تحولات قابل توجهی در عربستان صورت گرفت. در این دوره تصمیم گرفته شد که سیستم آموزشی تغییر داده شود. گفتگوی ملی بعد از یازده سپتامبر آغاز شد و برای اولین بار نشستی صورت گرفت که همه گروه‌های مذهبی؛ از جمله شیعیان و فرقه اسماعیلیه در آن حاضر بودند و با هم گفت‌وگو کردند. طی دهه اول قرن بیست و یکم، تحولات بسیاری در عربستان صورت گرفته است که برجسته‌ترین آن انتخابات شوراها بود. بیشترین مشارکت در این انتخابات به هرچند به دنبال قدرتیابی شیعه و تحولات بحرین عربستان سعی کرده بر شیعیان خود سخت بگیرد و آنها را از حقوق و امتیازاتی که در دهه اول قرن بیست و یکم به آنها اعطا نموده بود محروم سازد. سرکوب حق‌خواهی شیعیان استانهای شرقی در فاصله سه روز بعد از ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۲م یعنی انقلاب بحرین و اعدام شیخ نمر و ... از مصادیق تایید کننده این سخن است. منطقه شرقیه مربوط می‌شد که شیعیان در آن سکونت دارند. مشارکت در این منطقه حدود ۷۵ درصد بود که این امر باعث نگرانی جدی آل سعود شد. (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، ۱۳۸۶: ۲۱۹).

باتوجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت؛ بحران سوریه برای عربستان (حداقل به طور مستقیم) موضوع امنیتی تلقی نمی‌گردد، و اقدام رهبران سعودی در حمایت از معارضان سوری در جهت کاهش نفوذ ج.ا.ایران در منطقه و اعمال نقشی فعال؛ به‌عنوان رهبر جهان اسلام و افزایش نفوذ خود در منطقه است. به‌عبارت دیگر؛ عربستان سعودی از موضوع بحران سوریه؛ به‌عنوان فرصتی در جهت تقویت و ارتقای جایگاه منطقه‌ای خویش بهره می‌گیرد. در صورت سقوط بشار اسد، عربستان دست برتر را در منطقه پیدا خواهد نمود. از این رو، تغییرات در سوریه ضمن اینکه می‌تواند اتحاد راهبردی میان ایران و سوریه را تضعیف نماید، حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین را نیز کم‌رنگ نموده و این زمینه‌ای خواهد بود تا عربستان بتواند نفوذ خود را در مناطق ذکر شده، احیا نماید. عربستان سعودی برای آینده سوریه سعی خواهد کرد، منافع سنیان منطقه را در نظر بگیرد و یک نهاد سیاسی سنی را در سوریه بر سرکار آورد.

در صورت سقوط نظام بشار اسد و روی کار آمدن یک دولت سنی میانه‌رو، عربستان در منطقه وضعیت مساعدی را پیدا خواهد نمود و منطقه بیش از گذشته در جبهه سیاست‌های محافظه‌کاری عربی قرار خواهد گرفت. بنابراین در صورتیکه این گزاره‌ها عملیاتی گردد، تداوم بازیگری عربستان بیش از گذشته میسر خواهد شد. اما در صورت تحقق سناریوی دوم؛ یعنی بقای نظام سوریه، هرچند تغییر محسوسی در نوع ماهیت بازیگری عربستان مشاهده نخواهد شد، طبیعتاً سیاست‌های دو کشور تقابل بیشتری به خود خواهد گرفت و عربستان

بیش از گذشته و این بار در قالب رویکردی همراه با فشارهای بین‌المللی از سوی آمریکا و متحدان منطقه‌ای به اعمال فشار خواهد پرداخت و رقابت تعارض‌آمیز میان دو بازیگر تشدید خواهد شد. همچنان می‌تواند چالشی برای عربستان در حوزه‌های نفوذش در لبنان، فلسطین و رقابت‌های منطقه‌ای با ج.ا.ایران در پی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

استمرار روابط استراتژیک با دولت سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران یک اولویت به‌شمار می‌رود. چرا که یک شراکت ضروری در پروژه منطقه‌ای و چندبعدی به‌شمار می‌رود. جایگاه سوریه در جهان اسلام و عرب، جغرافیای خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای، همسایگی با فلسطین، اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق، دارا بودن نقش مستقل و هم‌راستا با ج.ا.ایران در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص در معادلات سیاسی لبنان و جریان مقاومت، درگیری با اسرائیل و سیاست‌های مشترک با ج.ا.ایران در قبال سیاست‌های هژمون و همکار هژمون و توانایی‌اش برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا، داشتن مسائل امنیتی همسو با ج.ا.ایران در بعد امنیت ملی، انسجام و یکپارچگی ملی و بافت جمعیتی از ابعاد پراهمیت سوریه در سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران است.

حمایت ج.ا.ایران از سوریه بر اساس معیارهای لزوم - و نه خوب و مفید بودن - این حمایت است. از این منظر، هیچ‌گاه شاهد واگرایی روابط تهران و دمشق نبوده‌ایم. لذا در بازی خاورمیانه میان ایران و رقیبی دیگر؛ از جمله عربستان و اسرائیل، حضور سوریه در اتحاد استراتژیک با ج.ا.ایران برای این کشور، برد و نبود این وضعیت؛ به معنی برد برای رقبای آن خواهد بود.

در ناآرامی‌های سوریه، کشورهای عربی و غربی تمام تلاش خود را به کار بستند تا با سرنگونی بشار اسد، قدرت استراتژیک ج.ا.ایران را در منطقه کاهش دهند. چرا که کنار رفتن بشار اسد از سوریه، می‌تواند باخت‌های پی در پی در بازی خاورمیانه برای ج.ا.ایران به‌دنبال داشته باشد و ماندن آن بردهای پی در پی. به همین دلیل؛ ج.ا.ایران تا قدم آخر از دولت سوریه حمایت خواهد کرد. چراکه اگر نظام سوریه تغییر کند؛ ج.ا.ایران یک متحد راهبردی را در شرق مدیترانه از دست خواهد داد و عمق راهبردی آن مورد تهدید قرار می‌گیرد. شکستن ارتباط - رو به گسترش سه کشور ایران، عراق و سوریه که می‌تواند جایگاه منطقه‌ای ایران را ارتقا بخشد، باختی بزرگ برای ج.ا.ایران در برابر رقبای سنتی آن به‌خصوص اسرائیل و عربستان خواهد بود. سوریه خط مقدم عمق استراتژیک ایران است. با نقش‌آفرینی در معادلات سیاسی لبنان، فلسطین و خط مقدم درگیری با اسرائیل و همچنین اساس محور مقاومت در کنار ج.ا.ایران، حزب‌الله و حماس در مقابله با اسرائیل، «برد» برای ج.ا.ایران و در غیر این صورت، باختی در سوابق سیاسی و استراتژیک ج.ا.ایران خواهد بود.

دسترسی به خاک سوریه، و در کنار آن ارتباط نزدیک با دولت عراق، ج.ا.ایران را از تنگنای استراتژیک رهایی می‌بخشد. سوریه، همیار و هم‌مرز با ج.ا.ایران؛ موقعیت مناسبی را برای

انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا را تدارک خواهد دید. به همین دلیل عربستان و اسرائیل، داعش را به گونه‌ای ساماندهی می‌کنند تا در عراق و سوریه بر مناطقی دست یابند که مانع دستیابی ج.ا.ایران به مدیترانه باشد. سوریه، همسو با ج.ا.ایران؛ دروازه استراتژیک به دنیای عرب، سنگری برضد سیاست‌های هژمونیک آمریکا و اسرائیل و مهم‌تر از همه، راه ارتباط با حزب‌الله را برای ایران هموار می‌کند. وجود رژیم علوی در سوریه می‌تواند شکاف فارسی، شیعی، عربی و سنی را که اهل سنت و اعراب به آن دامن می‌زنند، کاهش دهد. ضمن اینکه ایران به واسطه رژیم علوی سوریه می‌تواند از نفوذ عربستان در منطقه نیز جلوگیری به عمل آورد. از دید عربستان سقوط بشار اسد؛ یعنی از بین رفتن متحد ایران در منطقه. و تهران با سرنگونی نظام حاکم در دمشق تضعیف خواهد شد؛ عاملی که که زمینه را برای عربستان مهیا می‌سازد تا رهبری ائتلاف سنی طرفدار و هم‌پیمان با غرب را از آن خود کند و از این طریق بتواند شکاف سنی و شیعه را تشدید نموده و ائتلاف ضد ایرانی را مستحکم نماید.

در تحولات سوریه چند گزینه احتمالی امکان‌پذیر است:

- ۱- بقای رژیم فعلی و انجام اصلاحات در راستای منافع ملی
- ۲- روی کار آمدن لیبرال‌ها و طرفداران غرب و تکثرگرایی در سوریه
- ۳- روی کار آمدن سلفی‌های تندرو
- ۴- روی کار آمدن حکومت همسو با جریان‌های محافظه‌کار؛ از جمله اخوان المسلمین مصر و تونس
- ۵- تجزیه سوریه
- ۶- وارد شدن به جنگ خارجی برای وحدت ملی

در صورت بروز گزینه اول؛ ج.ا.ایران با برد، بازی خاورمیانه را دنبال می‌کند. در صورت بروز گزینه ۲ و ۵، بهترین راهکار برای ج.ا.ایران کم کردن بیشترین ضرری است که تحمل آن برایش اجتناب‌ناپذیر است، لذا بسان یک بازیگر کم‌بیشینه، حداقل باید مدل لبنان را در سوریه با ایجاد یک حزب‌الله دیگر سیاست‌هایش را پیگیری نماید؛ استراتژی که در یمن نیز قابل پیگیری است. در صورت بروز گزینه ۳، باخت ج.ا.ایران رقم خواهد خورد و بهترین حالت برای عربستان همین وضعیت؛ یعنی جایگزین شدن اسد با سلفی‌های طرفدار این کشور است که این مسأله به زیان ج.ا.ایران و قطع ارتباط آن با شرق مدیترانه ختم می‌شود. به نظر می‌رسد؛ از آنجایی که این جایگزینی به زیان غرب و اسرائیل تمام خواهد شد، لذا امکان وقوع آن کم است. اما وضعیت دیگر محتمل؛ جایگزینی یک رژیم دموکراتیک است که در این صورت نیز با توسعه دموکراسی در خاورمیانه، آل‌سعود بازنده خواهد بود اما ایران می‌تواند در این بازی، نیروهایی را در راستای اهداف خویش قدرت بخشد.

به نظر می‌رسد با اتفاقاتی که در ترکیه به دنبال بروز کودتای اخیر صورت گرفت، سیاست‌های ترکیه نسبت به بشار اسد تغییر کند و ماندگاری اسد در دولت بیشتر تداوم داشته باشد. همچنان‌که قبلاً نیز به ائتلاف میان ترکیه و عربستان نیز امید چندانی نبود. زیرا ترکیه و عربستان بر سر موضوعاتی چون فرقه‌گرایی، دموکراسی، جهانی‌سازی، سکولاریسم، چندفرهنگ‌گرایی،

مدرنیته و اخوان‌المسلمین با یکدیگر اختلاف موضع دارند و فقط بر سر سرنگونی بشار اسد، نظری واحد وجود داشت که این هم با تغییر سیاست ترکیه پس از کودتا و نزدیکی بیشتر به ایران دیگر مؤثر نخواهد بود. براساس اندیشه ضریب نفوذ و بالابردن آستانه تحمل در بازی قدرت و سیاست، بازیگری پیروز میدان خواهد بود که بیشترین تحمل را در روزگار سخت تحمل می‌کند. لذا با این بینش برای موفقیت سیاست خارجی ج.ا. ایران در بازی قدرت در قبال عربستان سعودی در بحران سوریه و نیز در کل خاورمیانه پیشنهاد می‌شود، ج.ا. ایران ضریب قدرت و آستانه تحمل خود را بالا ببرد و سعی کند تا آخرین لحظه از بشار اسد حمایت به عمل آورد. اما می‌بایست به فکر جایگزینی احتمالی رژیم بشار اسد نیز باشد. به هر صورت؛ باتوجه به اهمیت عمق استراتژیک سوریه در امنیت ملی ایران، داشتن یک نیروی مقتدر در منطقه شرق آسیا لازم است. در این صورت؛ ج.ا. ایران باید تلاش کند در بازی جایگزینی رژیم سوریه نیروی مقتدری؛ چون حزب‌الله لبنان در سوریه آینده تدارک ببیند. باتوجه به مطالب ارائه شده در حوزه سوریه ج.ا. ایران یک بازیگر کمینه‌گر و عربستان سعودی یک بازیگر بیشینه‌گر محسوب می‌شود. به همین دلیل، ج.ا. ایران با اتخاذ سیاست‌های تدافعی در پی جلوگیری از بیشترین ضرر در حوزه سوریه و عربستان سعودی با پیگیری سیاست‌های تهاجمی، بیشترین نفع را در این حوزه که همان سرنگونی بشار اسد و استقرار رژیمی سلفی-وهابی در سوریه می‌باشد، دنبال می‌کند.

کتابنامه

الف- فارسی

۱. اخوان کاظمی، م. و ویسی، س. (تابستان ۱۳۹۱). «علویان سوریه؛ از شکل‌گیری تا قدرت-یابی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دهم، ش ۳۸.
۲. حقیقت، س. ص. (۱۳۸۵). روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: نشر دانشگاه مفید.
۳. ذوقی بارانی، ک. قادری کنگانی، ر. و فراتی، م. (زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل ژئوپلیتیک سوریه؛ بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه»، مجله سیاست دفاعی، ش ۷۷.
۴. سیف‌زاده، ح. (۱۳۷۶). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: سمت.
۵. سیمبر، ر. و قاسیمیان، ر. (تابستان ۱۳۹۳). «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۹، شماره پیاپی ۳۹.
۶. عبدلی، ق. (۱۳۸۶). نظریه‌بازی‌ها و کاربردهای آن: بازی‌های ایستا و پویا، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
۷. عرب، ع. (۱۳۷۸). «کاربرد نظریه‌بازی‌ها در علوم انسانی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، ش ۴.
۸. غرایق زندگی، د. (۱۳۸۸). «معرفی و نقد کتاب تحولات خاورمیانه از منظر ائتلاف ایران و سوریه با تأکید بر بازخوانی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، نوشته انوشیروان احتشامی و

- ریموند هینوبوش، *فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس (نگین ایران)*، سال هشتم، ش ۳۰، پائیز ۸۸.
۹. کوهکن، ع. تجریدی، س. (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی» (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴) فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، دوره ۴۰، فصل پاییز.
۱۰. وونتسل، ی. س. (۱۳۷۲). *نظریه‌بازی‌ها و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک*، ترجمه: جلیل روشن‌دل و علیرضا طیب. تهران: قومس.
۱۱. هانتر، ش. (۱۳۹۲). *سیاست خارجی ایران در دوران بعد از فروپاشی شوروی*، ترجمه: مهدی ذوالفقاری، تهران: نشر میزان.

ب-منابع اینترنتی

- 12.. Barzegar, K.(October 30, 2012). "The Arab Spring and the Balance of Power in the Middle East", BelferCenter for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School.
- 13.. Berti, B.(2012). " Lebanon's Quest for Independence: Between Fragmentation, Political Instability and Foreign Intervention", in Sai Felicia Krishna-Hensel ed. *Religion, Education, and Governance in the Middle East: Between Tradition and Modernity* (London). At: <http://www.benedettaberti.com/book-chapters.html> . Access date, 14/8/2016.
- 14.. Brams, J.S. & Togman, M.J.(mar 1998). "Cooperation through threats: the Northern Ireland Case" political science.(electronic version) at:http://www.findarticles.com/p/articles/mi-hb3333/is-199803/ai-n_8046-702. Brams, J.S.(January 2001). "Game theory and cuban missile crisis" at : http://www.Plus.maths.org.issue_13/features/brams/index.htm. Access date 4/10/2014.
- 15.(1994). " theory of move" , Cambridge university press. At: <http://www.Amazon.com/gp/product/customer-reviews/052/458676/103-9447111>. Access date 4/10/2014.
- 16.Jim Muir.(2011), "Saudi Arabia recalls ambassador to Syria," BBC website, August 8, 2011 at www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-14439303. Access date, 5/3/2016.
- 17.Kamrava, M.(October, 2012). "Mediation and Saudi Foreign Policy", at: <http://www18.georgetown.edu/data/people/mk556/publication-67816.pdf>, Access date, 25/4/2016.
- 18.Levinson, Ch.(june, 2010). "Iran Arms Syria With Radar, Wall Street Journal", p: world. At: <http://www.wsj.com/articles/SB10001424052748703426004575338923106485984>. Access date, 25/4/2016.
19. Nerguizian, A. (march, 2012). "U.S and Iranian Strategic Competition", https://csis-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/publication/120312_Iran_VIII_Levant.pdf. Access date, 8/4/2016.

20. Paul, A & Joris, V.D. (2009). "Saudi Arabia after US-Iranian détente: Left in the Lurch *Middle East Policy*", www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/saudi-arabia-after-us-iranian-detente-left-lurch. Access date, 5/6/2015.

21. Ozcan, Nihat-Ali, (2011), "Turkey-Syria-Iran triangle is being redrawn" at: <http://www.hurriyetdailynews.com/default.aspx?pageid=438&n=turkey-syria-iran-triangle-is-being-redrawn-2011-06-22>. Access date, 12/7/1395=2November/2016.

۲۲. پناه‌خواهی، پ. (۱۶ / ۹ / ۱۳۸۹). «رکورد جهانی وزارت نیرو در ساخت نیروگاه-شب‌های دمشق روشن می‌شود»، روزنامه سیاست روز؛ قابل دریافت در <http://www.siasatrooz.ir/CNewsRDetail.aspx?QSCNDId=51347>. تاریخ بازبینی ۱۳۹۴/۶/۶.

۲۳. پورتر، گرانت، ۱۳۹۴/۳/۶، طرح جدید عربستان و قطر در سوریه، ترجمه: حسین هوشمند، قابل دریافت در <http://irdiplomasy.ir/fa/page/1948077>. تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۵/۷.

۲۴. دیپلماسی ایرانی. (۱۳۸۹/۱۲/۲۸). «قدرت‌نمایی ایران و دلخوری اسرائیل از آمریکا»، قابل دریافت در <http://irdiplomacy.ir/fa/page/10499/> تاریخ دسترسی ۹۴/۵/۲۱.

۲۵. داکروب، فیدا، ۲۰۱۲، بررسی عوامل جغرافیای سیاسی در جنگ امپریالیستی علیه سوریه، ترجمه: حمید محوی، در <http://gahnamehvhm.blogfa.com/post/173>. تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۵/۵.

۲۶. زینی‌وند، ع. (۱۳۹۴/۶/۱). «تحولات سوریه و راهبرد سیاست خارجی ایران»، قابل دریافت در <http://siasi.porsemani.ir/content> تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۶/۱.

۲۷. سرویس سیاسی جوان ایرانی - بخش بین‌الملل. (۱۳۹۴/۵/۲۱): کد خبر ۴۱۳۶۹۶. شرط سلمان برای پایان جنگ عربستان علیه سوریه در <http://www.javaneirani.com>. تاریخ دسترسی ۱۳۹۴ / ۸ / ۶.

۲۸. عطایی، محمد، ۱۳۹۵، خیزش سوریه ۲۰۱۲-۲۰۱۱، قابل دریافت در www.vista.ir/node/436433، تاریخ دسترسی ۱۳۹۵ / ۴ / ۱۲.

۲۹. کرمی، ک. (۱۳۹۱). در <http://www.siasi.porsemani.ir/content> تاریخ دسترسی ۴/۵/۱۳۹۴

۳۰. کرمی، ک. (۱۳۹۰). تحلیل «طرح عربی- غربی- ترکی» برای سوریه، در <http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=23040> تاریخ دسترسی

۱۳۹۴/۵/۸. گروه بین‌المللی فردا نیوز، (۱۳۹۴)، «تخطی قوانین بین‌المللی به بهانه مبارزه با داعش، در سایه غفلت کشورهای اسلامی» قابل دریافت در <http://www.fardanews.com/fa/news/485212>، تاریخ انتشار ۱۳۹۴/۱۱/۳، تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۵/۷.

۳۱. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس (۱۳۸۶)، عربستان سعودی: شرایط داخلی و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.
<http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=01&depid=44&semid=219>
تاریخ انتشار ۱۳۸۶/۱۰/۱۰، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۵/۸.
۳۲. نجات، س.ع. (۱۳۹۳/۵/۹). بررسی روابط ایران و سوریه،
http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1_1406783518p1.php/87.
33. <http://jahannews.com/vdciypa5rt1apr2.obct.html/433272.2/7/1395>.
34. <http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/12/08/1012975>.
35. <http://www.mop.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID.8/12/1394>.